

پیری

مهرن ساجی محمدیان



۱۳۹۷

سرشناسه: حاجی محمدیان، مهران، ۱۳۴۶ - haji mohammadin, mehran

عنوان و نام پدیدآور: پیری / نویسنده: مهران حاجی محمدیان.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۸۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۳۶-۷۹۱-۲

فروست: مجموعه مردم‌نگاری زندگی روزمره

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: پیری

موضوع: Aging

موضوع: سالمندان

موضوع: Older people

موضوع: بازنشستگی

موضوع: Retirement

شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

شناسه افزوده: Elmi - Farhangi Publishing Co

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹۱۰۶۱/HQ

رده‌بندی دی‌یو: ۳۰۵/۲۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۶۸۳۱۲

پیری

ویراسته: مهران حاجی محمدیان

اپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچین: د. س. ی. انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ک. چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیه

حق چاپ: محفوظ است.



معاونت و مراجعات اجتماعی و فرهنگی
اداره کاخ طالقانی، پایتخت فرهنگی



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، چهارراه - ماز، تهران، کوچه

کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۱ - ۸۸۷۷۴۸۵۹؛

فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴

www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

www.farhangishop.com

آدرس اینترنتی:

وبسایت فروش آنلاین:

فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه

گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳ - ۲۲۴۱۴۰

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ - ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن:

۷ - ۸۸۳۳۸۰۶

فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه

محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

نه	فهرست تصاویر
یازده	مقدمه

۱	فصل اول: سالخوردگی
۲	سن
۶	موی سفید
۸	چین و چروک
۱۱	دندان
۱۳	حوصله
۱۵	فراموشی
۱۷	توان
۲۰	درد و دوا
۲۸	از پا افتادن

۳۳	فصل دوم: رفتن
۳۴	مرگ
۳۹	پیوند با طبیعت
۴۱	افتادگی

۴۵	تکالیف
۴۸	وصیت

۵۱	فصل سوم: خانواده
۵۲	جایگاه
۵۶	بچه‌ها و نوه‌ها
۶۲	مادر
۶۶	تنهایی
۷۲	خانواده‌المندان
۷۹	سالمندان بی‌خانمان

۸۳	فصل چهارم: دین و دین‌درون
۸۴	پیری
۹۰	بازنشستگی
۱۰۰	سالمندان کار
۱۰۳	حذف
۱۰۶	تلقین

۱۱۱	فصل پنجم: فراغت
۱۱۲	بارک
۱۱۸	تماشاگری
۱۲۴	روزگار
۱۲۷	خاطره
۱۳۲	گردش
۱۳۶	گروه

۱۴۳	فصل ششم: جمع‌بندی
۱۶۵	فهرست منابع

مقدمه

طرح مردم‌نگار، «ری» پاییز ۱۳۹۴ در شهر تهران آغاز شد. از ابتدا قرار گذاشتم که سال‌ها از شهری را مد نظر قرار دهم و یا بهتر است بگویم سالمندان شهر تهران را. سالمندانی که در بستر شدیدترین تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سده اخیر ایران زندگی کردند. به واقع بخش قابل توجهی از سالمندان امروزی تهران، از سویی تجربه زندگی در روستاها و ایلات و شهرهای کوچکی را دارند که چه بسا سبک زندگی شان به هزاران سال قبل می‌رسد، و از سویی دیگر، همگام با شدیدترین موج‌های مهاجرت به تهران آمدند، در بستر وقایع مهمی همانند انقلاب و جنگ زیستند. چه بسا در آن نقش‌آفرینی کردند و هم‌اکنون نیز برای اولین بار در طایفه پدیده‌های ایران، دست به گریبان تجربه جدیدی از سالمندی در کلان‌شهر تهران شده‌اند. با مرور برخی از آمارها می‌توان تصویر بهتری از عمق تغییرات و تحولاتی به دست آورد که سالمندان امروزی در بستر آن زیستند.

روستاییان ایران در دهه چهل شمسی چیزی حدود ۷۰ درصد از جمعیت ایران بودند، که طی مهاجرت به مناطق شهری، هم‌اکنون جمعیت روستایی به چیزی حدود ۳۰ درصد کاهش پیدا کرده است. از

این رو بسیاری از سالمندان شهری حال حاضر، همان مهاجرانی بودند که چندین دهه قبل به شهرها مهاجرت کردند و خود را در موقعیت جدید و متفاوتی نسبت به زادگاهشان یافتند. از سوی دیگر خانواده ایرانی نیز طی دهه‌های اخیر با تغییرات قابل توجهی مواجه شده است که در نتیجه بتوان انتظار داشت تغییراتی در نقش و کارکرد حمایتی آن برای سالمندان نیز به وجود آمده باشد. برای مثال در حالی که همین سالمندان حال حاضر ایران بودند که میانگین باروری ۶٫۸ فرزند را در دهه ۶۰ ای هر خانواده رقم زدند، هم‌اکنون میانگین باروری فرزندان آن به عددی حدود ۱٫۸ رسیده است.

تجربه بازنشستگی به نوبه خود نیز تجربه جدیدی برای ایرانیان است که سالمندان ایرانی چه بسا اولین نفر در خاندان خود باشند که آن را تجربه می‌کنند. از همین رو برای اولین بار نیز با اوقات فراغت گسترده پس از آن مواجه شده‌اند. میانگین حال حاضر سن بازنشستگی برای ایرانیان که کمتر از پانزده سالگی است نیز دوران فراغت قابل توجهی را برای سالمندان رقم زده است. موقعیت بازنشستگی چه بسا برای اولین بار نیز به تغییر الگوهای حمایتی و شیوه خانواده به الگوهای جدید حمایت از سوی سازمان‌ها منجر شده است.

با وجود گسترش نظام بازنشستگی به عنوان منبع جدید از حمایت افراد در سالیانوردگی^۱، همچنان خانواده نقش بسیار مهم در حمایت از سالمندان ایفاء می‌کند. در حال حاضر قریب به ۵۰ درصد حمایت سالمندان ایران هیچ‌گونه مقرری بازنشستگی از جایی دریافت نمی‌کنند و باید به منابع دیگری مانند خانواده، کمک‌های اجتماعی و غیره متکی باشند. از سوی دیگر در میان همان ۵۰ درصدی که مستمری‌بگیر

۱. امروزه مطابق آخرین اطلاعات موجود ۷۶ درصد جمعیت شش‌غش در یکی از ۱۸ طرح بازنشستگی موجود در ایران عضو هستند (گزارش بانک جهانی، بهار ۲۰۱۷).

بازنشتگی هستند، مستمری دریافتی ۷۷ درصدِ بازنشتگان از سازمان تأمین اجتماعی و ۲۳ درصدِ بازنشتگان صندوق کشوری نیز زیر خط فقر قرار می‌گیرند که مجموع این موارد چالش‌های پیش روی سالمندان و نیز نظام بازنشتگی را خاطر نشان می‌کند.^۱

از منظری آینده‌نگر نیز این نسل از سالمندان چه بسا آخرین نسلی از سالمندان باشند که گروهی در اقلیت جامعه بوده و با افزایش تعداد سالمندان، چه بسا نقش و جایگاه آنان در جامعه تغییر کند. در حال حاضر جمعیت بالای ۶۵ سال ایران رقمی حدود ۷ درصد است که در سال ۶۳۰ شمسی این میزان به چیزی حدود ۲۵ درصد جامعه خواهد رسید. مجموعه این موارد به اضافه اینکه نرخ امید به زندگی در بدو تولد در ایران از صد سال قبل که چیزی حدود ۳۰ سال بود، حالا به عددی بالاتر از ۷۰ سال رسید است، ما را به این نکته رهنمون می‌کند که اساساً تجربه سالمندی در این سطح وسعت و موقعیت و نقش‌های جدید، به طور کل تجربه جدیدی برای ایرانیان است.

با در نظر گرفتن چنین بستر تاریخی‌ای، کتاب پیش رو قصد دارد تا از منظری نزدیک به این تجربه جدید زندگی سالمندان ساکن در شهر تهران نزدیک شود. در این کتاب تعریف «سالمند» منظر مراکز سیاست‌گذاری، علمی یا حقوقی مبنا قرار نمی‌گیرد، بلکه «پیری»، «سالمندی»، «سالخوردگی» و... به عنوان موضوعی که مردمان آن راجه و درگیرند مورد توجه قرار گرفته است. به واقع آنچه مهم است تعریف و تجربه مردم از «پیری»، مواجهه آنان با آنچه که نشانه‌های «پیری» می‌دانند و نیز واکنش‌های آنان، چه فردی و چه به صورت جمعی،

۱. در حال حاضر سازمان تأمین اجتماعی که پوشش بیمه‌ای برای بخش خصوصی فراهم می‌آورد و صندوق بازنشتگی کشوری که به بخش دولتی مرتبط می‌شود روی هم حدود ۹۰ درصد کل بیمه‌شدگان را شامل می‌شوند. سازمان تأمین اجتماعی ۸۳ درصد و صندوق بازنشتگی کشوری ۷٫۱ درصد را تحت پوشش دارند (گزارش بانک جهانی، بهار ۲۰۱۷).

نسبت به چنین موضوعی است. چنین فهم و تجربه‌ای از «پیری» است که باعث می‌شود تا در این کتاب «پیری» در قالب یک عدد ساده لحاظ نگردد، بلکه «پیری» از سطح یک دغدغه فردی تا موضوعی که در سطح تعاملات روزمره مورد توجه قرار می‌گیرد و یا اینکه سازمان‌ها و نهادها در شکل‌گیری آن دخیل‌اند، مورد توجه قرار گیرد. از این رو «پیری» در این کتاب از خانم‌ها و آقایانی که از دهه ۳۰ و ۴۰ زندگی‌شان درگیر یادودن نشانه‌های «پیری» از پوست و موی خود هستند آغاز می‌شود و تا زمانی که افراد به دلیل کهنولت سن کاملاً استقلال و هوش و حواس خود را از دست می‌دهند، پیش رفته است.

از طرف دیگر، اساس این کار بر پایه مصاحبه بوده است و مشاهده نقش درنگ‌تری دارد. با این حال در بخش بخش کتاب با بهره‌گیری از تصاویر، ارائه گزارشات توصیفی از روزنامه‌نگاران و نیز تولیدات هنری و سینمایی ... نقش شده است تا این ضعف تا حدودی جبران شود. نمونه‌های مورد مصاحبه این کتاب را چهل نفر از سالمندان شهر تهران تشکیل دادند که با آزما گفت‌وگوهایی حدوداً سی دقیقه‌ای در پارک‌ها، آسایشگاه سالمندان، مراکز و ... و خانه‌هایشان انجام شده است. البته تعداد محدودی از مصاحبه‌ها در حدود دقایق پانزده تا بیست و پنج دقیقه بوده است. اما در ادامه مصاحبه فرد سالمند به دلایل مختلفی همانند عدم تمایل یا ترس در ادامه مصاحبه و ... از گفت‌وگو خودداری کرد. در این کار تلاش کردم به طور متوازنی هم خانم‌ها و هم آقایان (در این کتاب سالمندان با عنوان خانم و آقایان اشاره قرار گرفته‌اند) و هم سالمندان مناطق شمالی، مرکزی و جنوبی تهران مورد مصاحبه قرار بگیرند. داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه‌ها به طور کامل پیاده‌سازی شد و سپس داده‌ها مرحله به مرحله انتزاعی‌تر شدند تا در نهایت به شکل‌گیری بخش‌های هر فصل و در نهایت فصل‌ها شدند. مقوله‌بندی که همواره در سایه دستیابی به داده‌های جدید و بازاندیشی به داده‌ها به هم می‌ریخت و دوباره ساماندهی می‌شد.

مجموعه داده‌ها در نهایت در قالب پنج فصل کتاب دسته‌بندی شدند. فصل آغازین کتاب به روایت سالمندان از بدن‌هایشان می‌پردازد. شاید این گونه تصور شود که تمامی سالمندان دنیا تجربه یکسانی از سالخوردگی بدن‌هایشان دارند، بنابراین می‌توان فصل اول کتاب را درباره سالمندان هر نقطه دیگری از دنیا نیز به کار برد. اما این تصور با وجود تفاوت در فرهنگ‌های مختلف نسبت به اولین نشانه‌های پیری، در پوست و مو و... تفاوت در سن امید به زندگی بیشتر از ۶۰ سال در برام، مختلف، موضوعاتی همانند فرهنگ مصرف دارو و سیاست‌های مرتبط به آن، سرانه‌های متفاوت بهداشت و درمان در کشورهای مختلف، میزان پوشش بیمه‌های درمانی، میزان پوشش بیمه‌ها از هزینه‌های خدمات درمانی و دارویی، بهره‌مندی از مراقبت‌های اولیه میان سالمندان (که چه بسا عدم بهره‌مندی از برخی مراقبت‌ها و یا درمان‌های ساده منجر به تحولاتی در میان سالمندان می‌شود و تجربه سالمندی آنان را به شدت تغییر می‌دهد) و دیگر موارد همگی به تجربه متفاوت سالمندی در میان جوامع اشاره می‌کند. بر این اساس فصل اول به تجربه تنائی سالمندان تهرانی از سالمندی، در یک بستر اجتماعی ویژه می‌پردازد که مطمئناً می‌تواند با دیگر جوامع، برای مثال جوامعی که خدمات درمانی رایگان در اختیار عموم است، متفاوت باشند.

لازم به گفتن است که تمامی سالمندان با تمامی موارد ذکر شده در فصل اول یا دیگر فصل‌ها درگیر نیستند. برای مثال برخی از سالمندان، سالمندی خود را با سلامتی و بدون تجربه درد و یا فراموشی می‌گذرانند. اما با این حال بر پایه داده‌های گردآوری شده می‌توان تا حدودی انتظار داشت که بدن سالخورده با چنین مواردی مواجه شود و یا فرد سالخورده، اقداماتی را برای پیشگیری از چنین مسائلی در برنامه زندگی خود قرار دهد. برای مثال اگر در فصل اول به «فراموشی» به عنوان یکی از موضوعات سالمندان اشاره می‌شود، لزوماً تمامی افراد

سالمند دارای فراموشی تصور نمی‌شوند، بلکه افرادی نیز مورد اشاره قرار می‌گیرند که با اقداماتی همانند حل کردن جدول‌های روزنامه‌ها و مجلات، مطالعه و... تلاش می‌کنند تا دچار فراموشی نشوند و یا شدت آن را کاهش دهند. به واقع این اقدامات سالمندان همچون مقاومت در برابر مسئله‌ای دیده می‌شود که آن‌ها احتمال می‌دهند با آن مواجه شوند و همین امکان به وجود آمدن چنین مسائلی است که این موارد را به عنوان مسائل قابل اشاره در سالمندی، و نه دیگر گروه‌های سنی، تبدیل می‌کند.

فصل دوم بر پایه درک سالمندان از پایان‌پذیر بودن زندگی نگاشته شده است. سالمندان نیز همانند دیگر گروه‌های سنی، تجربه‌ای از مرگ ندارند، اما به تازگی می‌رسد که آنان به طور جدی‌تری به اینکه در آینده پایانی رجوع دارند فکر می‌کنند و از این رو برخی اقدامات همانند مشخص کردن وصیت‌داران، هایشان پس از مرگ، رسیدگی جدی‌تر به تکالیف دینی (برای سنی از سالمندان که دغدغه‌های دینی دارند) و دیگر فعالیت‌هایی که با این درک و آگاهی ویژه در ارتباط است را انجام می‌دهند و چه بسا پس از این اقدامات دوباره به زندگی هر روزه‌شان برگردند. چنین حساسیت و آگاهی را خصوصاً پایان‌پذیر بودن زندگی را نمی‌توان در دیگر گروه‌های سنی مشاهده کرد. به واقع همانند فصل اول که موضوعاتی همانند موی سفید، چین و چروک، درد، مصرف مداوم برخی داروها و کاهش توان، انجام مواردی عنوان می‌گردد که سالمندان با آن درگیرند، در این فصل بر مقولاتی همانند وصیت کردن، همانند زمان بیشتری در کنار طبیعت بودن و توبه و تکالیف دینی از موضوعاتی است که در میان دیگر گروه‌های سنی کمتر دیده می‌شود و بیشتر دغدغه افراد سالمند است.

فصل سوم با توجه به اهمیت و جایگاه خانواده برای سالمندان نگاشته شده است. سالمندان به طور معمول در خانواده ایرانی، دارای جایگاه

ویژه‌ای هستند که در این فصل این جایگاه مورد بررسی قرار گرفته است. ارتباط سالمندان با فرزندان و نوه‌ها نیز که بخش قابل توجهی از زندگی سالمندان را شکل می‌دهد، از جمله مهم‌ترین نوع ارتباطات سالمندان است که به ابعاد آن اشاره شده است. نوعی تمایز جنسیتی میان مادر یا مادر بزرگ با پدر یا پدر بزرگ از سوی سالمندان گزارش می‌شود که در بخش «مادر» مورد اشاره قرار می‌گیرد. «خانه سالمندان» نیز، از سوی دیگر، به عنوان تجربه زندگی سالمندان بیرون از خانه و خانواده در این فصل مورد توجه بوده است.

اگرچه در تمامی فصل‌ها به ابعاد اجتماعی موضوعاتی که سالمندان با آن مواجه‌اند پرداخته شده است، اما فصل چهارم کتاب به صورت متمرکزتری به تجربه اجتماعی سالمندان از سطح تعاملات روزمره تا زمان خروج از کار می‌پردازد. در این فصل به اینکه چگونه افراد طی تعاملاتشان با دیگران احساس می‌کنند، تا اینکه چطور سازمان‌های مدرن با بازنشسته کردن افراد آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی منفک می‌کنند، توجه شده است. همچنین در این فصل مجموعه مواردی مورد اشاره قرار گرفته است که اشاره به آن دلایل شخصاً از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی‌شان دست‌برمی‌دارند، مواردی همانند ضعف و ناتوانی جسمانی، واگذاری مشاغل به پسران، عدم همراهی با سرعت معمول در آن شغل و... که به نوبه خود نمایانگر شیوه‌های حذف افراد کم‌توان از سطح جامعه نیز می‌باشد. در برابر این نوع حذف‌شدگی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، نوعی مقاومت نیز شکل می‌گیرد که در انتهای این فصل مورد توجه قرار گرفته است. فصل نهمی کتاب نیز بر پایه اوقات فراغتی نگاشته شده است که سالمندان با آن مواجه‌اند، فراغتی که گاهی ساعاتی ملال‌آور برای سالمندان رقم می‌زند و گاهی نیز با نوعی بازنگری به کلیت زندگی و دستیابی به یک چشم‌انداز ویژه نسبت به زندگی همراه می‌شود. در همین

فصل نیز به برخی اقدامات فردی و گروهی خلاقانه سالمندان در راستای حل مسائلشان اشاره می‌شود. فعالیت‌های موفقیت‌آمیز برخی گروه‌های سالمندان در راستای حل بخشی از مسائلشان، از جمله فعالیت‌هایی است که در نقطه مقابل برخی تصورات از سالمندان به عنوان گروهی در حاشیه جامعه، منفعل، نیازمند حمایت و وابسته قرار می‌گیرد.

در این کتاب به برخی از آثار فرهنگی و هنری اشاره کردم که وجهی از زندگی سالمندان پرداختند، تا خواننده همزمان از دریچه نگاه برخی هنرمندان و ادیبان به زندگی سالمندان نگاهی بیندازد. ضرب‌المثل‌های مرتبط با سالمندی، به عنوان توجه فرهنگ عامه به وجود سالمندان، از جمله مواردی بود که حضورشان در کتاب لازم به نظر می‌رسید. برخی موضوعات مورد اشاره در کتاب نیز در گزارشات رسانه‌نگاران و خبرنگاران به خوبی تشریح شده بود، که به نظرم رسید به جای توضیح بیشتر من، بهتر است گزارشی خواندنی و دقیق در آن خصوص از یک رسانه یا مجله را مرور کنیم.

داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ایم در دو زمینه تجربه زنان از سالمندی‌شان و آسایشگاه‌های سالمندان بخش‌هایی را نشان می‌داد که برای پوشش دادن به این نقایص از مصاحبه‌ای منتشر شده در دیگر تحقیقات کمک گرفتیم که منابع آن‌ها در متن کتاب مورد اشاره قرار گرفته است. طی گفت‌وگو با سالمندان متوجه شدیم که آن‌ها به برخی مباحث ساختاری و یا بسیار شخصی خود کمتر اشاره می‌کنند. زبان رو مناسب دیدیم با ارائه مطالبی از متخصصین حوزه‌های مرتبط با سالمندی به برخی ابعاد مهم اما مغفول مانده نگاهی بیندازیم. مطالب متخصصین را در کادرهایی جداگانه آوردم تا تمایز نگاه بیرونی متخصصین با تجربه هر روزه سالمندان قابل تشخیص باشد. از میان حوزه‌های مرتبط با سالمندی به نظام سلامت، مسائل جنسی، وضعیت سالمندان در شهر، جامعه‌شناسی سالمندان و صندوق‌های بازنشستگی توجه کردم که این

مطالب یا طی گفت و گو با متخصصین آن حوزه و یا با استفاده از منابع موجود تهیه شده است، که از همراهی این عزیزان کمال تشکر را دارم. شروین مقیمی عزیز که در زمینه جامعه‌شناسی تصویری فعالیت می‌کند تقاضای من را برای تهیه عکس‌هایی از زندگی سالمندان پذیرفت و با حضور چندین و چند باره در سطح شهر و خانه‌های سالمندان به ثبت ابعاد گوناگون زندگی آنان پرداخت که صمیمانه از تمامی زحمات او را این مدت سپاسگزاری می‌کنم. آقای دکتر بهرنگ صدیقی عزیز از زمانیکه من جوانی علاقه‌مند به مباحث اجتماعی بودم، همواره با راهنمایی ایشان فهم من از جامعه‌شناسی عمق بخشیدند و در این کار هم متواضعانه گاه ساعت‌ها به یافته‌های من از مصاحبه‌ها گوش دادند و نکات ارزشمند را بالأخر در نحوه مقوله‌بندی کار به من گوشزد کردند که قدر دان تمامی راهنمایی‌ها و محبت‌های ایشان خواهم ماند. در مدت زمانی که در گروه جامعه‌شناسی مردم‌مدار انجمن جامعه‌شناسی ایران حضور داشتم، طی دوران علمی و حرفه‌ای من از مباحث دکتر بهرنگ صدیقی عزیز، دکتر محسن گودرزی عزیز و دکتر عبدالعلی رضایی بهره‌مند شدم که عمیقاً نگاه من به مردم و معادله مردم‌نگاری را شکل داد که از تمامی این بزرگواران سپاسگزاری می‌کنم. البته لازم به گفتن نیست که ذکر نام این عزیزان جهت قدردانی از تمامی آن‌ها نیست، بلکه بنده از ایشان یاد گرفته‌ام، و گرنه واضح است که مسئولیت نقیصه‌ها و کمی و کاستی‌های این کتاب تماماً بر عهده اینجانب است. خانم دکتر مهشید معیار با مطالعه نسخه اولیه کتاب، من را به نکات مغفول مانده‌ای هدایت کردند که مطمئناً بدون بازبینی ایشان کار، کاستی‌های جدی داشت که از ایشان تشکر می‌کنم. در طول مصاحبه‌ها دسترسی‌ام به برخی مراکز برای انجام مصاحبه به آسانی میسر نبود که خانم لیلا ارشد و آقای دکتر مراد اسماعیل زالی در این خصوص کمک‌هایی انجام دادند که از حمایت ایشان صمیمانه

سپاسگزاری می‌کنم. خانم آذر تشکر با محبت همیشگی‌شان و آگاهی از اینکه من در حوزه سالمندان کار می‌کنم، من را به نگارش این کتاب تشویق کردند و آشنایی من با انتشارات علمی و فرهنگی را به وجود آوردند و آقای دکتر ناصرالدین غراب در انتشارات علمی و فرهنگی نیز با همراهی‌شان در طول مسیر مردم‌نگاری و نکات خوبی که در بازبینی کار بدان اشاره کردند، نگارش کتاب پیری را میسر کردند. در نهایت امیدوارم این کتاب توانسته باشد به هدف خود که ارائه تصویری روشن‌تر از زندگی سالمندان است نزدیک شده باشد.

مهران حاجی‌محمدیان

پاییز ۱۳۹۶

دانشگاه بیلفلد، آلمان